

:20.1001.1.22286713.1400.13.51.7.6

واکاوی روایی-تاریخی و تاریخ گذاری برخی از اخبار هجرت به حبشه

بر مبنای تحلیل شبکه اسناد و منبع اولیه*

قاسم بستانی^۱

مینا شمشکی^۲

علی مطوری^۳

عیسی محمودی مزرعاوی^۴

چکیده: اخبار هجرت برخی از مسلمانان به حبشه از مهم ترین اخبار تاریخ صدر اسلام است که در منابع متعددی نقل شده است. این اخبار علاوه بر لزوم تحلیل تاریخی، متنی و سندی، نیازمند تاریخ گذاری با هدف رسیدن به زمان پیدایش و رواج آنها توسط راویان و نیز زمان راه یافتن آنها به منابع حدیثی اولیه است. از آنجا که موضوع هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام، یک مسئله تاریخی است که در منابع روایی گزارش شده است، تحلیل و بررسی آن نیز می بایست به روش ترکیبی روایی-تاریخی انجام شود. در این پژوهش که به صورت تحلیلی و به روش کتابخانه ای انجام گرفته، زمان پیدایش و رواج اخبار هجرت به حبشه با دو روش تاریخ گذاری مبتنی بر تحلیل شبکه اسناد و روش مبتنی بر منبع حدیثی اولیه، مورد بررسی قرار گرفته است. ترسیم شبکه اسناد بصری به روش پیثل برای یافتن حلقه های مشترک اصلی و فرعی در اسناد این اخبار و نیز بررسی منابع متقدم، نشان می دهد که منشأ پیدایش این اخبار در قرن دوم یا نیمه اول قرن سوم قمری بوده و این اخبار در آن زمان جعل شده و یا دست کم رواج پیدا کرده اند. علاوه بر آن، نتیجه این پژوهش مشخص می کند که مطرح شدن برخی از موضوعات در اخبار هجرت به حبشه، با برخی از گزاره های تاریخی مانند زمان تشریح برخی از احکام، در تناقض است.

واژه های کلیدی: تاریخ گذاری احادیث، حلقه مشترک اصلی، حلقه مشترک فرعی، هجرت به حبشه

* این مقاله مستخرج از پایان نامه دوره دکتری با عنوان «اعتبارسنجی روایات و اخبار مرتبط با نجاشی پادشاه حبشه در میراث حدیثی فریقین» می باشد.

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) gboostanee@yahoo.com

۲ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز m_shamkhi@yahoo.com

۳ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز Dr.matouri@gmail.com

۴ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز maahmoodi1361@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۲ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۶

Narrative-historical Analysis and Determining the Dates of Some News of Emigration to Abyssinia based on Analysis of Primary Documents and Source Network

Ghasem Bostani¹

Mina shamkhi²

Ali matouri³

Esa Mahmoodi Mazreavi⁴

Abstract: In addition to the need for historical, textual and documentary analysis, the news of the emigration of some Muslims to Abyssinia requires determining the exact dates, in order to find the time of their emergence and popularity by the narrators and also the time of their access to the primary hadith sources. In this research, which has been done analytically and using desk study method, the time of emergence and spread of the news of emigration to Abyssinia is investigated using two methods based on document network analysis and a method relying on original hadith source. Drawing a network of visual documents using Juynboll's method to find the main and secondary commonalities in the documents relating to this news and also examining the earlier sources, shows that the origin of this news was in the second or first half of the third century and this news was fabricated at that time, or at least have become popular at that time. Moreover, the results of this study indicate that the inclusion of some issues in the news of the emigration to Abyssinia is in contradiction with some historical facts, such as the time of legislation of some rulings.

Keywords: Determining the dates of Hadiths, main common ring, sub-common ring, emigration to Abyssinia.

-
- 1 PhD in Quranic and Hadith Sciences and Associate Professor of Shahid Chamran University of Ahvaz(author of responsible), gbostanee@yahoo.com
 - 2 PhD in Quranic and Hadith Sciences and Assistant Professor of Shahid Chamran University of Ahvaz. m_shamkhi@yahoo.com
 - 3 PhD in Quranic and Hadith Sciences and Assistant Professor of Shahid Chamran University of Ahvaz. Dr.matouri@gmail.com
 - 4 Ph.D student in Quranic and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz. maahmoodi1361@gmail.com

Received: 2021/9/13

Accepted: 2021/11/27

مقدمه

تاریخ‌گذاری احادیث از روش‌های حدیث‌پژوهی مستشرقان در قرن حاضر است که هدف آن پی بردن به مبدأ تاریخی جعل یا رواج روایات گوناگون و یا پیدایش آنها در منابع حدیثی اولیه است. تاریخ‌گذاری احادیث به روش‌های مختلفی مانند تحلیل اسناد، تحلیل متن، تحلیل مرکب متن و سند و بررسی منبع حدیثی اولیه صورت می‌پذیرد. از جمله اخباری که نیازمند تاریخ‌گذاری برای مشخص شدن زمان رواج آنها توسط راویان و پیدایش و راه یافتن آنها به منابع حدیثی متقدم می‌باشند، اخبار هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام است.

نظر محدثان محقق بر آن است که حبشه کشور معروف در افریقا است که امروزه نام اتیوپی بر آن اطلاق می‌شود (شراب، ۱۴۱۱: ۹۶). سرزمین حبشه بسیار گسترده است و در شمال شرقی آن اقیانوس هند و کشور یمن قرار دارد؛ از وسط آن رودی با آب شیرین به نام «سیحون» می‌گذرد که رود نیل از آن آب می‌گیرد (ابن تغری بردی، [بی‌تا]: ۳۶۱/۲).

حبشه هم در زمان پیامبر(ص) و هم سال‌ها و قرن‌ها پیش از آن برای عرب‌ها از نظر اقتصادی و تاریخی اهمیت زیادی داشت و روابط اقتصادی و تاریخی بین آنها و حبشه قرن‌ها قبل از میلاد پیامبر(ص) برقرار بود (منیسی، ۱۴۲۱: ۲۹؛ طرخان، ۱۹۵۹: ۱۷). همچنین روابط سیاسی بین این دو حتی در زمان نزدیک به ظهور اسلام و بعد از آن نیز وجود داشته است (منیسی، ۱۴۲۱: ۳۰)، اما هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام، از مهم‌ترین جلوه‌های روابط بین آنها بوده است. درباره اخبار هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه پرسش‌هایی مطرح است که: اولاً این اخبار از نظر سندی و تاریخی چگونه ارزیابی می‌شوند؟ ثانیاً تاریخ‌گذاری این اخبار بر مبنای روش‌های تاریخ‌گذاری تحلیل اسناد و منبع اولیه، تاریخ رواج و گسترش این اخبار و راه یافتن آنها به منابع حدیثی اولیه را چه زمانی نشان می‌دهد؟ با توجه به اهمیت موضوع هجرت به حبشه و تأثیر آن در تاریخ اسلام، فرضیه این پژوهش آن است که اخبار مرتبط با این هجرت، در قرن اول قمری توسط راویان متعدد و با سندهای صحیح رواج و گسترش پیدا کرده است؛ موضوعی که هدف این پژوهش، تحقیق و بررسی آن است.

در دوران معاصر دربارهٔ اخبار هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه و بررسی متنی و سندی آنها و دیگر موضوعات مرتبط، تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام گرفته است که از جمله می‌توان به کتاب *الهجرة إلى الحبشة* نوشتهٔ محمد فارس الجمیل اشاره کرد که ترجمهٔ فارسی آن نیز با عنوان «مهاجرت به حبشه» (علیرضا ذکاوتی قراگوزلو) موجود است. به ضمیمه کتاب قبلی، کتاب *داستان هجرت به حبشه* از رسول جعفریان به چاپ رسیده که در آن به بررسی ابعاد گوناگون این اخبار پرداخته شده است. البته در کتاب‌های یادشده و دیگر پژوهش‌های معاصر، هیچ‌گاه اخبار هجرت به حبشه تاریخ‌گذاری نشده و منشأ پیدایش و زمان رواج آنها مشخص نشده است.

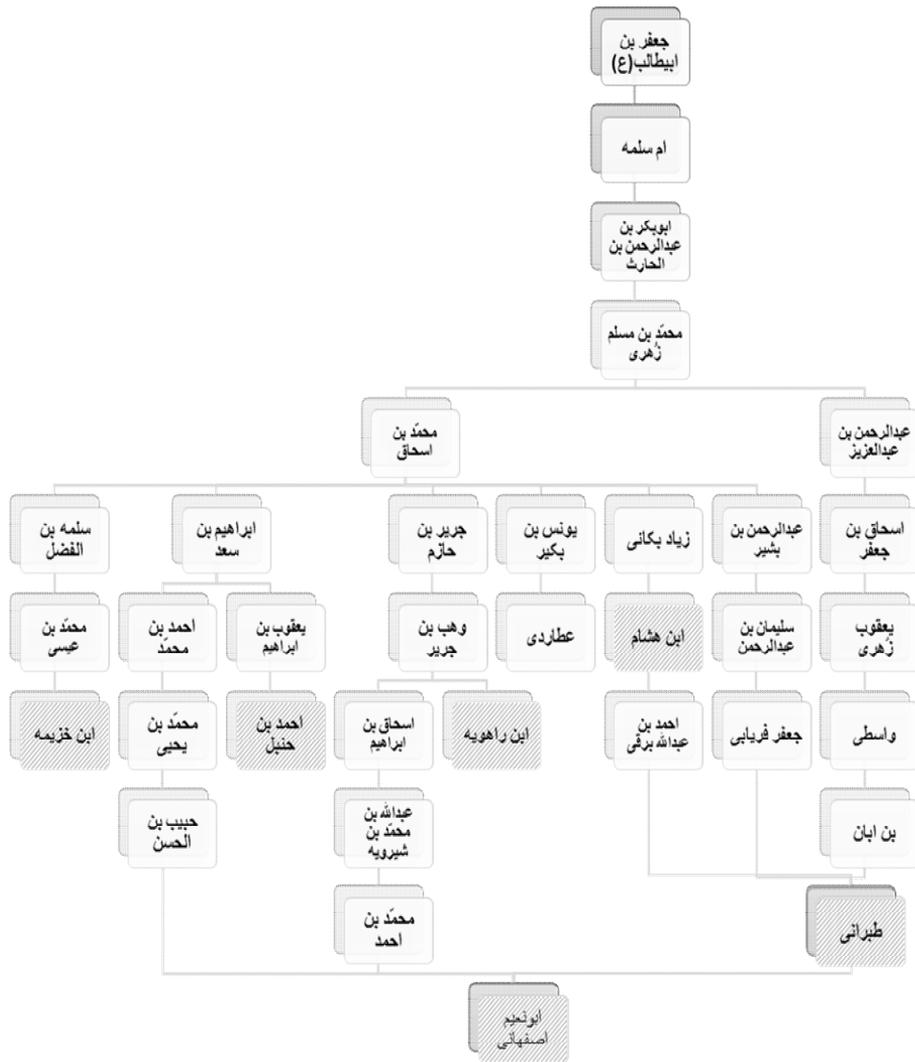
هدف از این پژوهش آن است که ابتدا منابعی که اخبار هجرت به حبشه را با سند مشترکی نقل کرده‌اند، بیان شود و این اخبار از نظر سندی مورد بررسی قرار گیرند. ثانیاً به منظور یافتن حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی، شبکهٔ اسناد بصری سندهای مشترک ترسیم شود و تاریخ‌گذاری آنها به روش مبتنی بر تحلیل بصری شبکهٔ اسناد به کار رفته توسط ینبل انجام پذیرد. سپس این اخبار به روش مبتنی بر منبع اولیه تاریخ‌گذاری شود و در نهایت، برخی از موضوعات مطرح شده در برخی از اخبار هجرت به حبشه، از لحاظ تناقض با برخی گزاره‌های تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

۱. تاریخ‌گذاری بعضی از اخبار هجرت برخی از مسلمانان به حبشه

برای تاریخ‌گذاری دقیق برخی از اخبار مربوط به هجرت به حبشه، ابتدا سندهای مشترک این اخبار بیان شده و راویان آن از نظر رجالی و تاریخ وفات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخی از اخبار هجرت به حبشه با حلقه‌های مشترک سندی ذیل، روایت شده‌اند:

الف. حلقه اول: از ابن إسحاقَ از مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ الزُّهْرِيُّ از أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ابْنِ الْحَارِثِ بْنِ هِشَامِ الْمَخْزُومِيِّ، از أُمِّ سَلَمَةَ بِنْتِ أَبِي أُمَيَّةَ بْنِ الْمُغِيرَةَ زَوْجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

این خبر با حلقهٔ مشترک سندی فوق، در منابع ذیل نقل شده است:



ترسیم شبکه اسناد بصری حلقه مشترک سندی (الف)

سیره ابن اسحاق، ص ۲۱۳؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۳۴؛ مسند اسحاق بن راهویه، ج ۴، ص ۷۱؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۶۳ و ج ۳۷، ص ۱۷۰؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۱۰۷۹؛ المعجم الکبیر طبرانی، ج ۲، ص ۱۱۱؛ دلائل النبوه ابونعیم اصفهانی، ص ۲۴۶؛ معرفة الصحابة ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ص ۵۱۵.

در ابتدای حلقهٔ سندی فوق، الف. مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ يَسَّارَ (متوفای ۱۵۰-۱۶۰ق) را اگرچه برخی توثیق کرده‌اند (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۲۱/۷؛ عجللی، ۱۴۰۵: ۴۰۰؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ۱۹۳/۴؛ همو، ۱۴۰۶: ۱۵۹) و برخی وی را امیرالمومنین در حدیث دانسته‌اند (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۲۶۱/۷)، اما برخی نیز وی را کثیر التذلیس از ضعفاء (علائی، ۱۴۰۷: ۱۰۹؛ ابن‌العراقی، ۱۴۱۵: ۸۱؛ سبط ابن‌العجمی، ۱۴۰۶: ۴۷؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: ۵۱) و دروغگو معرفی کرده (ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۲۵۵/۷) و برخی جزو ضعفا ذکر کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۰۴: ۲۳/۴). البته همان‌گونه که از معرفی وی در برخی کتب رجالی مشخص است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۳۴۱) و برخی علما نیز اشاره کرده‌اند، در توثیق یا ضعف و نیز در عدالت وی و احتجاج به روایاتش، بین علما اختلاف نظر وجود دارد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۷/۲). ابن‌معین نیز وی را در روایت از زهری ضعیف الحدیث دانسته است (ابن‌معین، [بی‌تا]: ۴۳).

ب. محمد بن مسلم بن عبیدالله بن شهاب زهری (متوفای ۱۲۱-۱۳۰ق)، اعلم زمان خود در حدیث معرفی شده (بخاری، [بی‌تا]: ۲۲۰/۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۲۸/۵) و توثیق شده است (عجللی، ۱۴۰۵: ۴۱۲؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۳۴۹/۵). همچنین وی مدلس توصیف شده، ولی گفته شده که ائمه قول (عن) از جانب وی را قبول کرده‌اند (علائی، ۱۴۰۷: ۱۰۹؛ ابن‌العراقی، ۱۴۱۵: ۸۹).

ج. ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام مخزومی (۹۱-۱۰۰ق) نیز ثقه (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۲۰۸/۵؛ عجللی، ۱۴۰۵: ۴۹۲) و یکی از فقهای سبعة در مدینه است (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۱۶/۴).

البته طبرانی در معجم الاوسط (ج ۷، ص ۲۵۸) خبری را نقل کرده که در سند آن به جای ابن‌اسحاق، عبدالرحمن بن عبدالعزیز ذکر شده است. عبدالرحمن بن عبدالعزیز انصاری امامی (متوفای ۱۶۱-۱۷۰ق) را جزو ثقات ذکر کرده‌اند (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۷۵/۷). برخی نیز وی را ثقه دانسته‌اند، اما گفته‌اند دیگران در روایت کردن از زهری، از وی قوی‌ترند (ذهبی، من تکلم فیه و هو موثق، ۱۲۰) و وی در روایت از زهری تضعیف شده است (ذهبی، ۱۳۸۷: ۲۴۳). ابوحاتم نیز وی را مضطرب الحدیث معرفی کرده (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۷۱: ۲۶۰/۵) و برخی دیگر وی را مجهول دانسته و جزو ضعفا به شمار آورده‌اند (ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۴۶۹/۵).

گفتنی است در منابع ذکر شده فوق، گاه انتهای سند به جعفر بن ابی طالب (ع) و گاهی به اُم سلمه می‌رسد که در نتیجه تفاوت چندان‌ی ندارد.

البته به غیر از اسناد فوق، طبرانی نیز در المعجم الکبیر (ج ۲، ص ۱۱۰) و در الاحادیث الطوال (ص ۲۲۰) خبر هجرت به حبشه و حوادث مربوط به آن را با سند ذیل از جعفر بن ابی طالب نقل کرده است:

از مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحِيمِ الدِّيَابِجِيِّ التُّسْتَرِيِّ، از مُحَمَّدُ بْنُ آدَمَ الْمُصَيَّبِيِّ و از مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيِّ، از عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَلَمِ الرَّازِيِّ، هر دو از أَبُو كُرَيْبٍ، از أَسَدِ بْنِ عَمْرٍو الْكُوفِيِّ، از مُجَالِدِ بْنِ سَعِيدٍ، از الشَّعْبِيِّ، از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، از پدرش.....

در سند فوق، الف. آسد بن عمرو بجلی کوفی (متوفای ۱۸۱-۱۹۰ق) را برخی ثقه شمرده‌اند (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۳۱/۷)، اما بیشتر رجال‌یون وی را تضعیف کرده‌اند (ر.ک: عقیلی، ۱۴۰۴: ۲۳/۱؛ ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۳۳۸/۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۴۷۰/۷؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۰۷/۴).

ب. مجالد بن سعید همدانی (متوفای ۱۴۱-۱۵۰ق) نیز در حدیث ضعیف دانسته شده است (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۴۹/۶). نسایی در یک جا وی را ثقه دانسته و در جای دیگری گفته است که قوی نیست (ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۶). رجال‌یون دیگری مانند یحیی بن قطان (بخاری، [بی‌تا]: ۹/۸) و ابن معین و دارقطنی وی را تضعیف کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۶). بقیه راویان موثق‌اند.

بحث دیگر و مهم این است که با توجه به تاریخ تولد عبدالله بن جعفر بن ابی طالب که در سال اول قمری (ابن حبان، ۱۴۱۱: ۲۷؛ زرکلی، ۲۰۰۲: ۷۶/۴) بوده است،^۱ وی هنگام شهادت پدرش جعفر بن ابی طالب در نبرد موته که در سال هشتم قمری رخ داده (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۹: ۵۱۱/۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲۴۲/۱)، هفت ساله بوده و شنیدن این خبر و حفظ آن با جزئیات کامل از پدرش در این سن بعید به نظر می‌رسد. در نهایت، این خبر علاوه بر ضعف برخی راویان در سند آن و شک و تردید در مورد صلاحیت عبدالله بن جعفر در دریافت این خبر از پدرش و حفظ آن با

۱ نکته دیگر اینکه گفته شده است که سن وی هنگام وفات پیامبر (ص) در سال ۱۱ق (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۱۸۰/۲؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ۸۲۳/۱) ۱۰ سال داشته است که نشان می‌دهد تاریخ تولد وی همان سال اول قمری است. علاوه بر آن، صحیح‌ترین قول آن است که وی در سال ۸۰ق. و در ۸۰ سالگی وفات یافته است (مزی، ۱۴۰۰: ۳۷۲/۱۴).

جزئیات کامل، دارای اشکال بوده و از صحت آن اطمینان حاصل نمی‌شود؛ به همین دلیل نمی‌توان چندان به مضمون این اخبار اعتماد کرد.

ب. حلقه دوم: از **إِسْرَائِيلُ**، از **أَبِي إِسْحَاقَ**، از **أَبِي بُرْدَةَ بْنِ أَبِي مُوسَى**، از پدرش (ابوموسی اشعری)

این خبر با حلقه مشترک سندی فوق در منابع ذیل نقل شده است:

الطبقات الكبرى (ج ۴، ص ۱۰۵)؛ مصنف ابن‌أبی‌شیبیه (ج ۷، ص ۳۵۰)؛ المنتخب من مسند بن حمید (ص ۱۹۳)؛ سنن أبي داود (ج ۵، ص ۱۱۳)؛ الاحاد و المثانی لابن أبي عاصم (ج ۱، ص ۲۷۸)؛ مسند رویانی (ج ۱، ص ۳۳۱)؛ المستدرک علی الصحیحین (ج ۲، ص ۳۳۸)؛ دلائل النبوة ابونعیم اصفهانی (ص ۲۵۱)؛ حلیة الاولیاء ابونعیم (ج ۱، ص ۱۱۴)؛ دلائل النبوة بیهقی (ج ۲، ص ۲۹۹).

در سند فوق، **الف**. اسرائیل بن یونس بن ابي اسحاق (متوفای ۱۶۱-۱۷۰ق)، هم توثیق (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۷۴/۶؛ عجلی، ۱۴۰۵: ۶۳؛ ابن‌أبی‌حاتم، ۱۲۷۱ق: ۳۳۱/۲؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۷۹/۶) و هم تضعیف دارد (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۳۷۴/۶؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۵۸/۷). گفته شده است که اسرائیل در روایت از ابواسحاق پدربزرگش قوی نیست (فیه لین)؛ زیرا در اواخر عمرش از وی روایت کرده است (ابن‌أبی‌حاتم، ۱۲۷۱: ۳۳۱/۲). به هر حال، همان‌گونه که برخی رجالیون گفته‌اند (عقلی، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۱) در شخصیت رجالی این راوی اختلاف نظر وجود دارد.

ب. ابواسحاق که نام کامل وی عمرو بن عبدالله سبیعی همدانی کوفی (متوفای ۱۲۱-۱۳۰ق) است، ثقه بوده (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ۱۷۷/۵؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۳۹۴/۵) و برخی وی را جزو مدلسین ذکر کرده‌اند (نسایی، ۱۴۲۳ [ب]: ۱۲۲؛ ابن‌العراقی، ۱۴۱۵: ۷۷؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: ۴۲). گفته شده است که وی در اواخر عمرش مختلط شده است (علائی، ۱۴۱۷: ۹۳). بقیه راویان موثق‌اند.

بحث دیگر اینکه هجرت ابوموسی اشعری، ناقل اول این خبر، به حبشه ثابت نشده و این موضوع مورد شک و تردید است. برخی وی را جزو مهاجران به حبشه ذکر کرده‌اند (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۷۴۹/۴) و برخی دیگر نیز اخبار مربوط به حبشه را از طریق وی نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد او یکی از مهاجران به حبشه بوده است (ر. ک. به: ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴). برخی دیگر وی را از مهاجران به



ترسیم شبکه اسناد بصری حلقه مشترک سندی (ب)

حبشه به شمار نیاورده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۶۳/۴). ذهبی با اشاره به سند اخبار هجرت منتهی به وی، به شمار آوردن ابوموسی اشعری جزو مهاجران حبشه را وهم برخی از راویان دانسته است (ذهبی، ۲۰۰۳: ۵۸۲/۱). بنابراین به دلیل اینکه یکی از

راویان اصلی خبر هجرت به حبشه، ابوموسی اشعری است و اثبات یا نفی وجود وی همراه مهاجران به حبشه، ارتباط مستقیمی با صحت یا عدم صحت اخبار هجرت نقل شده توسط وی دارد، در این بخش به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود. بعضی اخبار نشان می‌دهد که ابوموسی اشعری از بلاد خود به مکه عزیمت کرده و با شخصی به نام سعید بن عاص هم‌پیمان شده و بعد از اسلام آوردن، به حبشه هجرت کرده و در سال فتح خیبر همراه دیگر مهاجران بازگشته است:

۱. از مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو و برخی دیگر از اهل علم: أَنَّ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ قَدِمَ مَكَّةَ، فَحَالَفَ سَعِيدَ بْنَ الْعَاصِ بْنِ أُمَيَّةَ أَبَا أَحِيحَةَ وَاسْلَمَ بِمَكَّةَ وَهَاجَرَ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ، ثُمَّ قَدِمَ مَعَ أَهْلِ السَّيْنَتَيْنِ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَيْبَرَ (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴).

سند فوق علاوه بر اینکه هویت محمد بن عمرو در ابتدای آن مشخص نیست، مرسل و در نهایت ضعیف شمرده می‌شود، اما در خبری متناقض با خبر فوق آمده است که ابوموسی هیچ هم‌پیمانی در مکه نداشته و از مهاجران حبشه نبوده و پس از اسلام آوردن به بلاد خود برگشته است. این خبر با سند ذیل آمده است:

۲. از مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو، از خَالِدُ بْنُ إِلْيَاسَ، از أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي الْجَهْمِ، قَالَ: لَيْسَ أَبُو مُوسَى مِنْ مُهَاجِرَةِ الْحَبَشَةِ، وَ لَيْسَ لَهُ حَلْفٌ فِي قُرَيْشٍ وَ قَدْ كَانَ اسْلَمَ بِمَكَّةَ قَدِيمًا، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى بِلَادِ قَوْمِهِ... (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴).

در سند فوق، الف. در مورد شخصیت رجالی محمد بن عمر بن واقد اسلمی (متوفای ۲۰۱-۲۱۰ق) همان‌گونه که برخی رجالین ذکر کرده‌اند (دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۳۰/۳)، اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا برخی وی را ثقه (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۶۱/۹) و برخی دیگر مانند نسایی، وی را غیرثقه دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۵۷/۹). ابن معین نیز وی را وضاع حدیث معرفی کرده است (ابن معین، ۱۳۹۹: ۱۶۰/۳؛ نسایی، ۱۴۲۳ [الف]: ۷۶). همچنین گفته شده که وی متروک الحدیث بوده و احمد بن حنبل وی را ترک کرده است (بخاری، [بی‌تا]: ۱۷۸/۱؛ ابن عدی، ۱۴۱۸: ۴۸۱/۷). برخی گفته‌اند که وی متروک الحدیث بوده و همه کتاب‌هایش دروغ است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱: ۲۱/۸). وی احادیث مقلوب و معضل را به صورت عمدی از ثقات روایت می‌کرد و وضاع حدیث بوده است (ابن حبان، ۱۳۹۶ق: ۲۹۰/۲). برخی دیگر وی را

دروغگو خوانده و جزو ضعفا بیان کرده‌اند (عقیلی، ۱۴۰۴: ۱۰۷/۴؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۴۸۱/۷؛ مزی، ۱۴۰۰: ۱۸۶/۲۶). به قول برخی از رجالیون، اجماع بر ضعف وی است (ذهبی، ۱۳۸۲: ۶۶۶/۳).

ب. خالد بن الیاس مدنی (متوفای ۱۶۱-۱۷۰ق) تضعیف شده (ابن‌معین، ۱۳۹۹: ۱۶۰/۳؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۶: ۲۷۹/۱؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۱۵۱/۲) و متروک (نسایی، ۱۳۹۶: ۳۶) و منکر الحدیث (عقیلی، ۱۴۰۴: ۳/۲) است. علاوه بر آن، این سند مرسل و در نهایت ضعیف می‌باشد.

گفتنی است در ابتدای برخی از اخبار هجرت به حبشه که سند آن به ابوموسی منتهی می‌شود، عبارت «أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَنْطَلِقَ مَعَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» آمده است. این عبارت نشان می‌دهد که ابوموسی اشعری نه تنها جزو مهاجران به حبشه بوده، بلکه همزمان و همراه با جعفر بن ابی‌طالب (ع) و یارانش از مکه به سوی حبشه هجرت کرده است. بیهقی سند خبر اتفاقات مرتبط با گفت‌وگوی مسلمانان و نجاشی پادشاه حبشه را که توسط ابوموسی نقل شده، صحیح می‌داند، اما از نظر وی هجرت ابوموسی همزمان با هجرت جعفر و یارانش و به همراه آنها نبوده و عبارت «أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ نَنْطَلِقَ مَعَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» را وهم راوی دانسته است (بیهقی، ۱۴۰۵: ۳۰۰/۲). از نظر وی، ابوموسی و یارانش که در یمن بوده‌اند، هنگام شنیدن خبر بعثت پیامبر (ص) با کشتی به سوی مکه حرکت کرده بودند، اما در میان راه طوفان کشتی آنها را به ساحل حبشه برده بود. در آنجا و با پیشنهاد جعفر بن ابی‌طالب (ع) در حبشه ماندگار شدند و تا زمان جنگ خیبر در آنجا ماندند. در نتیجه، ابوموسی شاهد ماجراها و گفت‌وگوهای بین نجاشی و جعفر بوده است (همان).

برخی دیگر وی را از مهاجران به حبشه به شمار نیآورده‌اند. از نظر این دسته به دلیل اینکه ابوموسی از بلاد خود با تعدادی از افراد قومش به وسیله کشتی عازم مدینه شد و ورود آنها به مدینه همزمان با بازگشت جعفر و یارانش از حبشه با کشتی دیگری بوده، برخی گمان برده‌اند که وی همراه با مهاجران به حبشه بوده است (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۵/۴؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۶۳/۴). برخی نیز برآن‌اند که بعد از اینکه ابوموسی اشعری با تعدادی از یارانش به قصد دیدار با پیامبر (ص) عازم

مدینه شدند، در میانه راه باد و طوفان کشتی آنها را به طرف حبشه برد و حرکت دوباره آنها از حبشه، با خروج و برگشت جعفر و یارانش به مدینه با کشتی جداگانه‌ای همزمان بوده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۶۴/۳). خبر ذیل مؤید داستان روانه شدن کشتی ابوموسی اشعری و یارانش توسط طوفان به سوی حبشه و دیدار با جعفر بن ابی طالب (ع) و یارانش در آنجا و سپس بازگشت به مدینه همراه با هم است:

۳. از مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدٍ از أَبِي أَسَامَةَ، از بُرَيْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بُرْدَةَ، از أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: هَاجَرْنَا مِنَ الْيَمَنِ فِي بَضْعَةٍ وَخَمْسِينَ رَجُلًا مِنْ قَوْمِي وَنَحْنُ ثَلَاثَةٌ إِخْوَةٌ: أَبُو مُوسَى وَ أَبُو رُحَيْمٍ وَ أَبُو بُرْدَةَ فَأَخْرَجْتَهُمْ سَفِينَتَهُمْ إِلَى النَّجَاشِيِّ وَ عِنْدَهُ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَصْحَابُهُ فَأَقْبَلُوا جَمِيعًا فِي سَفِينَةٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ حِينَ افْتَتَحَ خَيْبَرَ... (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱۰۶/۴).

در سند فوق، برید بن عبدالله بن ابی برده (متوفای ۱۴۱-۱۵۰ق) هم توثیق دارد (ابن معین، ۱۳۹۹: ۴۷/۴؛ عجلی، ۱۴۰۵: ۷۸؛ ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۱۶/۶) و هم جزو ضعفا ذکر شده (نسایی، ۱۳۹۶: ۲۳؛ ابن عدی، ۱۴۱۸: ۲۴۴/۲) و هم روایات منکری روایت کرده است (عقیلی، ۱۴۰۴: ۱۵۷/۱). بنابراین صحت این خبر نیز مورد شک و تردید است.^۱ برخی نیز می گویند بعد از اینکه طوفان کشتی ابوموسی و یارانش را به حبشه برد، آنها برای مدتی در حبشه اقامت کردند و سپس همراه با جعفر و سایر هجرت کنندگان به مدینه بازگشتند؛ به همین دلیل ابن اسحاق وی را جزو مهاجران به حبشه ذکر کرده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۷۶۳/۴). این خبر با سند ذیل نقل شده است:

۴. از يُونُسَ بْنِ يُونُسَ، از عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، از إِسْرَائِيلَ، از أَبِي إِسْحَاقَ، از أَبِي بُرْدَةَ، از أَبِي مُوسَى، قَالَ: «بَلَّغْنَا مَخْرَجَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ، فَخَرَجْنَا مَهَاجِرِينَ حَتَّى أَتَقْنَا سَفِينَتَنَا إِلَى النَّجَاشِيِّ بِالْحَبَشَةِ فَوَافَقْنَا جَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَصْحَابَهُ عِنْدَ النَّجَاشِيِّ فَقَالَ جَعْفَرُ «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ بَعَثَنَا هَاهُنَا وَ أَمَرَنَا بِالْإِقَامَةِ فَأَقَمْنَا مَعَهُ حَتَّى قَدِمْنَا جَمِيعًا» (بزار، ۲۰۰۹: ۱۵۶/۴).

۱ ابونعیم اصفهانی (۱۴۱۹: ۱۹۴/۱) نیز این خبر را از با سند خود «أَبُو أَسَامَةَ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ أَبِي بُرْدَةَ، عَنْ أَبِي مُوسَى» روایت کرده است.

این سند مشابه سند خبری می‌باشد که در آن ابوموسی خود را جزو مهاجرانی دانسته است که از مکه مستقیماً عازم حبشه شده‌اند؛ که در آن اسرائیل بن یونس هم توثیق و هم تضعیف دارد.^۱ بقیهٔ راویان توثیق شده‌اند.^۲ اخبار دیگری نیز مبنی بر مهاجرت ابوموسی اشعری به حبشه به صورت مرسل نقل شده است:

۵. از ابوالعبّاس مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، از أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، از یونسُ بْنُ بُكَيْرٍ، از ابنِ إِسْحَاقَ قَالَ: «كَانَ أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ مِمَّنْ هَاجَرَ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ وَأَقَامَ بِهَا...» (حاکم نیشاپوری، ۱۴۱۱: ۵۲۶/۳).

در سند فوق، الف. احمد را که نام کامل وی احمد بن عبد الجبار عطاردی (متوفای ۲۷۱-۲۸۰ق) است، برخی جزو مدلسین ذکر کرده‌اند؛ زیرا از بیشتر کسانی از آنها روایت نقل کرده، سماع نداشته است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۳: ۳۷). برخی دیگر وی را ضعیف و دروغگو دانسته (مزی، ۱۴۰۰: ۱/۳۸۰؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۱/۱۱۲) و برخی نیز گفته‌اند که در وی اختلاف است (مغلطای بن قلیچ، ۱۴۲۲: ۱/۷۳؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۱/۱۱۲)، اما از نظر برخی دیگر اجماع بر تضعیف وی است (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۳۱۳/۱؛ ذهبی، ۲۰۰۳: ۴۸۵/۶).

ب. یونس که نام کامل وی یونسُ بْنُ بُكَيْرٍ بنِ واصلِ شیبانی کوفی (متوفای ۱۹۱-۲۰۰ق) است، هم توثیق (ابن عدی، ۱۴۱۸: ۵۲۲/۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق: ۴/۴۷۷؛ همو، ۱۴۰۵: ۲۴۶/۹) و هم تضعیف دارد (ابن کثیر، ۱۴۳۲: ۲/۴۷۵؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۴/۴۷۷).

ج. مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بنِ یَسَّارَ (متوفای ۱۵۰-۱۶۰ق) نیز مورد اختلاف است.^۳ بنابراین نحوه و چگونگی هجرت ابوموسی به حبشه به عنوان یکی از راویان اخبار هجرت به حبشه، مورد شک و تردید بوده و با تناقضات و اضطرابات فراوانی بیان شده است و نمی‌توان صحت اخبار نقل شده از وی در مورد اصل هجرت به حبشه را مورد تأیید قرار داد؛ زیرا اثبات اصل هجرت به حبشه و حوادث مرتبط با آن، از

۱ ترجمهٔ وی در اخبار پیشین ذکر و مشخص شد که هم توثیق و هم تضعیف دارد و گفته شده است که وی در روایت از ابواسحاق پدربزرگش قوی نیست.

۲ مسلم (ابی‌نا: ۱۹۴۶/۴) و بخاری (۱۴۲۲: ۹۰/۴) و ابونعیم اصفهانی (۱۴۱۹: ۵۱۴/۲) این خبر را با سند «أبو أسامة، عَنْ بُرَيْدٍ، عَنْ أَبِي بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِي مُوسَى» نقل کرده‌اند.

۳ ترجمهٔ وی در اخبار پیشین ذکر و مشخص شد که هم توثیق و هم تضعیف دارد.

طریق استناد به کسی که در وجود یا عدم وجود وی در بین هجرت کنندگان به حبشه اختلاف نظر وجود دارد، دور باطل است.

ج. حلقه سوم: از حُدَیجُ بْنُ مُعَاوِیَةَ، از أَبِي إِسْحَاقَ، از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُتْبَةَ، از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ....

این خَبر با حلقهٔ مشترک سندی فوق در منابع ذیل نقل شده است:

مسند طیالسی، ج ۱، ص ۲۷۰؛ سنن ابن منصور، ج ۲، ص ۲۲۷؛ مسند احمد بن حنبل،

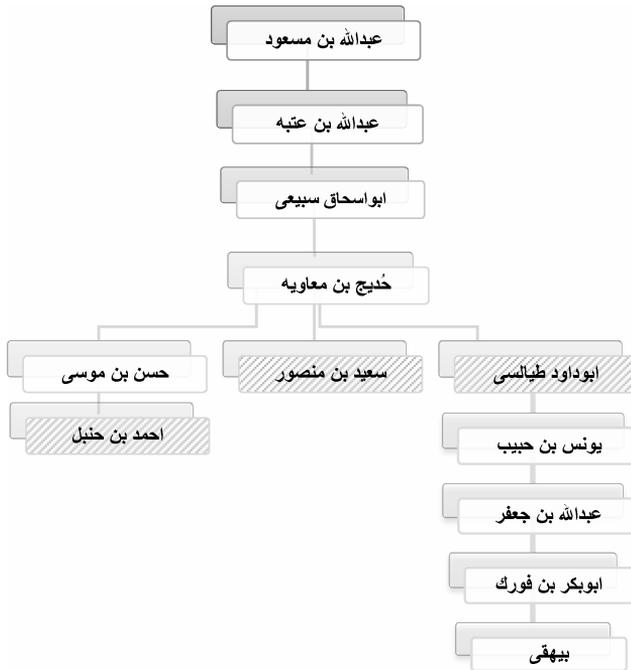
ج ۷، ص ۴۰۸؛ دلائل النبوه بیهقی، ج ۲، ص ۲۹۷.

در سند فوق، الف. حدیج بن معاویه بن حدیج جعفری کوفی (متوفای ۱۷۱-۱۸۰ق)

توسط ابن معین تضعیف شده (ابن معین، ۱۳۹۹: ۲۷۶/۳) و ابن سعد نیز وی را در

حدیث ضعیف دانسته است (وَ كَانَ ضَعِيفًا فِي الْحَدِيثِ) (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۷۷/۶).

بیشتر رجالیونی که در زمینهٔ معرفی ضَعفا کتاب نگاشته‌اند، نام وی را در کتب خود



ترسیم شبکهٔ اسناد بصری حلقهٔ مشترک سندی (ج)

ذکر کرده‌اند (نسایی، ۱۳۹۶: ۲۹؛ عقیلی، ۱۴۰۴: ۱/۲۹۶؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۶: ۱/۲۷۱؛ ابن‌عدی، ۱۴۱۸: ۳/۳۵۶؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۲/۱۵۰).

ب. شخصیت ابواسحاق سیعی^۱ در اخبار پیشین بررسی شد. بقیهٔ راویان در این سند توثیق شده‌اند. این سند به دلیل ضعف حدیچ بن معاویه تضعیف می‌شود.

۲. تاریخ‌گذاری برخی از اخبار هجرت به حبشه بر مبنای سند

هدف از تاریخ‌گذاری احادیث، پی بردن به خاستگاه تاریخی آنها است. تاریخ‌گذاری احادیث به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. یکی از روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث، تحلیل اسناد مبتنی بر شناخت و یافتن حلقهٔ مشترک اصلی^۲ و حلقهٔ مشترک فرعی^۳ است.

خوتیر ینبل حلقهٔ مشترک را ابزاری مفید می‌داند که با استفاده از آن می‌توان به تاریخ تقریبی و خاستگاه احتمالی حدیث دست یافت (آقایی، ۱۳۸۹: ۲۹). «حلقه مشترک» اصطلاحی است که پیشتر توسط شاخ و وضع شده و ینبل در عمل به‌طور گسترده‌ای آن را به کار بست و مفهوم آن را بسط و گسترش داد (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). حلقهٔ مشترک از نظر شاخ و نیز نخستین کسی است که حدیث را رواج داده است. بدین ترتیب، این حدیث باید در بهترین حالت از زمان حلقهٔ مشترک پدید آمده باشد (گلدتسیهر و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). شاخ و ینبل این پایین‌ترین حلقهٔ مشترک در هر حدیث را پدید آورنده یا جاعل آن حدیث خوانده‌اند (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۵۲؛ موتسکی، ۱۳۹۴: ۴۹). البته از نظر برخی، شواهد فراوانی وجود دارد برای اینکه حلقه‌های مشترک را واضع یا به بیان دقیق‌تر جاعل روایات ندانیم، بلکه آنها را نخستین گردآورندگان و نشردهندگان حرفه‌ای روایات تلقی کنیم (گلدتسیهر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). ینبل برای تشخیص خاستگاه اسناد، پس از شناسایی و

۱ ترجمهٔ کامل وی در بررسی حلقهٔ مشترک سندی پیشین ذکر شد و ثقه است.

۲ شاخ و به تبع او ینبل می‌دیدند که بسیاری از احادیث فقط با یک سلسله‌سند واحد نقل نشده‌اند، بلکه گاه چندین سند مختلف و متعدد دارند و این سندها غالباً به ناقل مشترکی در نسل سوم یا چهارم پس از پیامبر(ص) می‌رسند. شاخ این راوی مشترک را «پایین‌ترین» حلقهٔ مشترک» نامیده است (موتسکی، ۱۳۹۴: ۴۸).

۳ مراد برخی از مستشرقان از حلقهٔ مشترک فرعی، راوی‌ای است که خود شاگردانی داشته و آنها روایت را از او نقل کرده‌اند (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۵۰؛ موتسکی، ۱۳۹۴: ۵۱).

گردآوری تمامی اسانید یک روایت از کتب حدیثی، آنها را در نوعی نقشه با عنوان «شبکه اسناد» ترسیم کرده است؛ زیرا به نظر وی نظریه پردازی درباره خاستگاه و مراحل تطور اسانید، بدون بهره گیری از یک ابزار کمکی دیداری به نام «حلقه مشترک»، عملی نیست (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

در بخش قبل، برای یافتن حلقه های مشترک اصلی و فرعی، شبکه اسناد بصری برخی از اخبار هجرت به حبشه ترسیم شد تا مشخص شود که این اخبار در صورت جعلی بودن، در چه مقطع زمانی و توسط کدام راوی جعل شده یا دست کم بتوان گفت که این اخبار توسط راوی رواج و نشر داده شده است.

طبق شبکه اسناد (الف)، ملاحظه می شود که حلقه مشترک اصلی این اخبار محمد بن مسلم زُهری (متوفای ۱۲۱-۱۳۰ق) است که موثق است و نمی تواند جاعل این اخبار باشد، اما حلقه مشترک فرعی اول این سندها محمد بن اسحاق بن یسار (متوفای ۱۵۰-۱۶۰ق) است که همان گونه که گفته شد، در توثیق یا تضعیف وی اختلاف نظر وجود دارد و ابن معین وی را در روایت کردن از زُهری ضعیف دانسته است. حلقه مشترک فرعی دوم نیز عبدالرحمن بن عبدالعزیز انصاری امامی (متوفای ۱۶۱-۱۷۰ق) است که وی نیز هم توثیق و هم تضعیف شده و در روایت کردن از زُهری تضعیف شده است.

طبق شبکه اسناد (ب)، ملاحظه می شود که حلقه مشترک اصلی، یعنی اسرائیل بن یونس بن ابی اسحاق (متوفای ۱۶۱-۱۷۰ق)، هم توثیق و هم تضعیف دارد و همان گونه که گفته شد، وی در روایت کردن از پدر بزرگش ابواسحاق سبعی ضعیف دارد. حلقه مشترک فرعی این سند نیز عبیدالله بن موسی باذام (متوفای ۲۱۱-۲۲۰ق) است که موثق می باشد (عجلی، ۱۴۰۵: ۳۱۹؛ ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۵۲/۷).

در شبکه اسناد (ج) حلقه مشترک اصلی حدیج بن معاویه جعفی (متوفای ۱۷۱-۱۸۰ق) می باشد که تضعیف شده است. بنابراین و با توجه به شبکه های اسناد بصری ترسیم شده در فوق و با توجه به اختلاف در توثیق یا تضعیف حلقه های مشترک فرعی در بخش (الف) و اختلاف درباره توثیق یا تضعیف حلقه مشترک اصلی در بخش (ب) و همچنین تضعیف حلقه مشترک اصلی در بخش (ج) و با دقت و امعان در تاریخ وفات این راویان، به نظر می رسد که برخی از اخبار هجرت به حبشه در

نیمه اول قرن دوم قمری وضع شده یا دست‌کم در این زمان رواج و گسترش پیدا کرده‌اند.

۱-۲. تاریخ‌گذاری اخبار هجرت بر مبنای منبع

علاوه بر سند، برای تعیین دوره زمانی شکل‌گیری اخبار و روایات می‌توان از معیار منبع نیز بهره گرفت؛ به این ترتیب که بینیم هر خبر یا روایت اولین بار چه زمانی به منابع حدیثی راه یافته است (موتسکی، ۱۳۹۴: ۵۴). قدیمی‌ترین منبعی که خبر یا روایتی در آن می‌یابیم، حد نهایی زمان^۱ است؛ یعنی این خبر یا روایت دست‌کم در زمان تألیف یا تدوین آن کتاب باید وجود می‌داشت (همان)، اما ساخت و ینبُل از این هم فراتر رفتند و مدعی شدند زمان و مکان تألیف این قدیمی‌ترین منبع، مهد پیدایش^۲ خبر یا روایت مورد بحث بوده است؛ یعنی از آنها این خبر یا روایت پیش از تألیف آن منبع وجود نداشته است (همان).

با مد نظر قرار دادن نظریه‌های فوق و با دقت و بررسی برخی از اخبار هجرت به حبشه، استنتاج می‌شود که اصیل‌ترین و معتبرترین منبعی که امروزه به‌طور کامل به دست ما رسیده و خبر هجرت به حبشه برای اولین بار در آن نقل شده، کتاب سیره ابن‌هشام تألیف عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ هِشَامِ بْنِ أَيُّوبَ مَعَاظِرِيُّ (متوفای ۲۱۱-۲۲۰ق) است. با توجه به تاریخ وفات این سیره‌نگار، دریافته می‌شود که برخی از اخبار هجرت به حبشه، اولین بار در نیمه اول قرن سوم قمری یا دست‌کم در نیمه دوم قرن دوم قمری به منابع اصیل و قدیمی روایی راه یافته است. البته و با توجه به اینکه کتاب ابن‌هشام تهذیب و تنقیح کتاب سیره ابن‌اسحاق است (ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۱۰، مقدمه؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۳، مقدمه) و ابن‌هشام از شخصی به نام زیاد بکائی (۱۸۱-۱۹۰ق) سیره را از ابن‌اسحاق روایت کرده (ذهبی، ۱۴۰۵: ۴۲۹/۱۰؛ ابن‌قطوبغا، ۱۴۳۲: ۴۷۴/۶؛ هوروفنس، ۱۴۲۱: ۹۸)، مشخص نیست که وی به چه نحوی آن را از بکائی برگرفته است؟ آیا آن را به طریق سماع یا به طریق وجاده یا اجازه از آن روایت کرده است؟ به هر حال، ابن‌هشام در مقدمه کتاب خود به این موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده است (ابن‌اسحاق، ۱۳۹۸: ۱۴).

1 terminus ante quem

2 breeding ground

زیادبن عبدالله بکائی (۱۸۱-۱۹۰ق) خود نیز تضعیف شده است (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۹۶/۶؛ عقیلی، ۱۴۰۴: ۷۹/۲؛ نسایی، ۱۳۹۶: ۴۵؛ ابن حبان، ۱۳۹۶: ۳۰۶/۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۴۹۹/۹؛ مزی، ۱۴۰۰: ۴۸۸/۹)، اما برخی از رجالیون بدون ذکر هیچ گونه دلیل خاصی گفته‌اند که بکائی اگرچه در حدیث ضعیف است، ولی در نقل مغازی مشکلی ندارد (ابن معین، [بی تا]: ۱۱۴؛ ابن عدی، ۱۴۱۸: ۱۳۷/۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۴۹۹/۹؛ ذهبی، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

۳. ارزیابی متن برخی از اخبار هجرت به حبشه براساس گزاره‌های تاریخی

بررسی اخبار مربوط به برپایی مجلس نجاشی در حبشه و حضور مسلمانان در آن مجلس، نشان از آن دارد که موضوعات مختلفی در آن گفت‌وگوها مطرح شده است؛ موضوعاتی که نماینده و متکلم مسلمانان یعنی جعفر بن ابی طالب (ع) برای دفاع از خود و بقیه یارانش به زبان آورده است. از جمله این موضوعات، ذم جاهلیت و تعریف از اسلام و پیامبر (ص)، نام بردن از برخی احکام الهی که پیامبر (ص) نسبت به انجام آنها امر فرموده است (مانند نماز و روزه و زکات و امر به معروف و صلۀ رحم و غیره)، تبیین عقیده مسلمانان درباره حضرت عیسی (ع) و تلاوت آیاتی از سوره مریم (ع) بوده است (ابن اسحاق، ۱۳۹۸: ۲۱۳؛ طرابلسی، ۱۴۱۹: ۲۷۰/۱؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۱؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۳۵۰/۷؛ ابن راهویه، ۱۴۱۲: ۷۱/۴).

در بین برخی از اخبار هجرت به حبشه اختلافات متنی و محتوایی فراوانی وجود دارد، اما با توجه به مطرح شدن برخی از مسائل شرعی و نام بردن از عباداتی مانند نماز و روزه و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و غیره از زبان مسلمانان، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این عبادات در زمان هجرت مسلمانان به حبشه، تشریح شده بودند یا خیر؟ و اگر در آن زمان تشریح نشده‌اند، چگونه در این اخبار از آنها یاد شده است؟ گفتنی است که در روایت أم سلمه (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۱) از نماز، روزه و زکات و در روایت ابوموسی (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۳۵۰/۷؛ ابن حمید، ۱۴۰۸: ۱۹۳) از نماز و زکات و نهی از منکر نام برده شده است. در ذیل به بررسی زمان تشریح برخی از این احکام پرداخته شده است.

۳-۱. زمان تشریح نماز

از منابع روایی فریقین برمی‌آید که نماز همزمان با واقعهٔ معراج پیامبر(ص) تشریح شده است. برای نمونه، در صحیح بخاری بخش «باب الصلاة» در مورد چگونگی تشریح نماز در شب معراج پیامبر(ص) روایتی ذکر شده است (بخاری، ۱۴۲۲: ۷۸/۱). در منابع روایی و کتب سیرهٔ اهل سنت نیز روایت‌هایی مشابه روایت بخاری دربارهٔ چگونگی تشریح نمازهای یومیه پنج‌گانه در شب معراج نقل شده است (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۴۰۷/۱؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۸۶/۲۰؛ مسلم، [بی‌تا]: ۱۴۵/۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۸: ۲۷۸/۴). همچنین در بعضی از منابع شیعه خبر تعلیم نماز به پیامبر(ص) توسط خداوند ضمن حدیث معراج نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۸۳/۳). همچنین روایتی در کتاب وسائل الشیعه شبیه به روایات اهل سنت دربارهٔ تشریح نماز در شب معراج نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷/۳).

به این ترتیب و با توجه به اینکه منابع فریقین بر آغاز تشریح نمازهای یومیهٔ پنج‌گانه در شب معراج اتفاق نظر دارند و نیز با در نظر گرفتن زمان شب معراج پیامبر(ص) که به قول برخی از علما سال دوازدهم بعثت (کاشانی، ۱۳۳۳: ۲۳۶/۵) یا شانزده ماه پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بوده (ابن‌کثیر، ۱۴۱۸: ۲۶۹/۴)، از نظر برخی از محققان ذکر نماز در سخنان جعفر بن ابی‌طالب(ع) در اخبار مرتبط با هجرت به حبشه که در سال پنجم بعثت بوده (ابن‌سعد، ۱۹۶۸: ۲۰۴/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۲۹/۲)، دارای اشکال است (العوده، [بی‌تا]: ۶۲). البته اخباری نقل شده است که نشان می‌دهد نماز از ابتدای بعثت بر پیامبر(ص) و مسلمانان تشریح شده بود و پیامبر(ص) و حضرت خدیجه و حضرت امام علی(ع) نماز را همراه یکدیگر و به صورت پنهانی برگزار می‌کردند (ر.ک. به: ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۲۴۳/۱)، اما نماز آنها از نظر تعداد نمازهای یومیه و تعداد رکعات به صورت فعلی نبوده و در شب معراج به این شکل واجب شده است (ر.ک. به: سهیلی، ۱۴۲۱: ۲۸۵/۲؛ طباطبایی، [بی‌تا]: ۲۹/۱۳).

۳-۲. زمان تشریح روزه

از نظر برخی، در بین علمای اهل سنت دربارهٔ سرآغاز تشریح و وجوب روزه در مدینه و پس از هجرت به آن، اتفاق نظر وجود دارد؛ زیرا آیه‌ای که در آن تشریح

روزه نازل شده، به اتفاق، مدنی است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۶۶/۳). آنها معتقدند که پیامبر(ص) پس از هجرت به مدینه فرمان روزه گرفتن داده است (ابن عبدالوهاب، [بی تا]: ۷). همچنین روایتی نقل شده که در آن سرآغاز تشریح روزه، هجده ماه پس از هجرت پیامبر(ص) به مدینه ذکر شده است. از نظر برخی از علمای شیعه نیز سرآغاز تشریح روزه، روز ۲ شعبان سال دوم قمری بوده است (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۶۱؛ بهائی عاملی، ۱۴۰۶: ۱۹).

به هر حال، برخی از مورخان با توجه به زمان ادعایی هجرت مسلمانان به حبشه، اخبار بحث و گفت‌گویی مسلمانان با نجاشی و نام بردن از برخی احکام را جعلی دانسته‌اند؛ زیرا بحث روزه که بعد از هجرت به مدینه تشریح شده، در آنها آمده است (الامین، ۲۰۱۲: ۸۷).

۳-۳. زمان تشریح زکات

اهل سنت اخباری را که صحیح می‌دانند، نقل کرده‌اند که نشان دهنده تشریح زکات در مدینه می‌باشد (ر.ک. به: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۶۶/۳)، اما از آیات مختلف قرآن (مانند سوره اعراف، آیه ۱۵۶؛ سوره نمل، آیه ۳؛ سوره لقمان، آیه ۴؛ سوره فصلت، آیه ۷) که همه از سوره‌های مکی می‌باشند، چنین استفاده می‌شود که حکم و جوب زکات در مکه نازل شده است و مسلمانان موظف به انجام این وظیفه اسلامی بوده‌اند. البته هنگامی که پیامبر(ص) به مدینه هجرت کردند و حکومت اسلامی را بنیان گذاشتند و طبعاً نیاز به بیت‌المال احساس شد، از طرف خداوند مأموریت یافتند زکات را شخصاً از مردم بگیرد. این مأموریت با آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره توبه، آیه ۱۰۳) که همه آن مدنی می‌باشد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۳/۵)، به پیامبر(ص) واگذار شده است.

به هر حال، برخی معتقدند علاوه بر نماز که سرآغاز تشریح آن قبل از هجرت و در شب معراج بوده، بقیه احکام مانند روزه، زکات، حج، امر به معروف و نهی از منکر پس از هجرت به مدینه تشریح شده است (ابن عبدالوهاب، [بی تا]: ۷)؛ به همین دلیل برخی بر ذکر این احکام مانند روزه و زکات و غیره در اخبار مربوط به هجرت به حبشه اشکال گرفته‌اند (ر.ک. به: العوده، [بی تا]: ۶۳).

برخی برای رفع این اشکال و یا توجیه آن، در صحت سند روایت أم‌سلمه که در آن نماز و روزه و زکات ذکر شده، تشکیک کرده‌اند (ر.ک. به: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۲۶۶/۳)؛ یا اینکه گفته‌اند در صورت صحت سند، شاید در این روایت منظور از نماز، نمازهای پنج‌گانه و منظور از روزه، روزه ماه رمضان و منظور از زکات همین زکات مخصوص و معین نبوده نباشد (همان) و یا اینکه این عبارات و ذکر برخی از این عبادات و احکام در روایت أم‌سلمه، اضافات منکری باشند (العوده، [بی‌تا]: ۶۴). بنابراین با توجه به موارد و نظریه‌های مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که اخبار مرتبط با هجرت، دارای اضطرابات متنی و تناقضات محتوایی با برخی از گزاره‌های تاریخی، مانند زمان تشریح برخی از احکام می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از بررسی روایی-تاریخی موضوع هجرت برخی از مسلمانان به حبشه در صدر اسلام که اخبار مرتبط با آن در کتب روایی نقل شده است، این نکات حاصل شد که: نخست آنکه بررسی شبکه‌اسناد برخی از اخبار هجرت به حبشه و تاریخ‌گذاری آنها به روش مبتنی بر تحلیل بصری شبکه‌اسناد به کار رفته توسط ینبل، نشان می‌دهد که این اخبار توسط حلقه‌های مشترک اصلی و یا فرعی در قرن دوم قمری جعل شده و یا دست‌کم توسط آنها رواج و گسترش پیدا کرده است. دوم، تاریخ‌گذاری برخی از اخبار هجرت به حبشه به روش مبتنی بر منبع اولیه، حاکی از آن است که این اخبار در نیمه اول قرن سوم و یا دست‌کم در نیمه دوم قرن دوم قمری به منابع حدیثی متقدم و اصیل راه یافته است. سوم، موضوعات مطرح شده در متن برخی از اخبار هجرت به حبشه، از نظر تاریخی با زمان تشریح برخی از احکام شرعی و نزول برخی از آیات احکام در تناقض است.

منابع و مآخذ

— آقایی، سید علی (پاییز ۱۳۸۵)، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد (نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیر ینبل)»، فصلنامه علوم و حدیث، ش ۳ (پیاپی ۴۱)، س ۱۳، صص ۱۴۵-۱۶۸.

- (زمستان ١٣٨٩)، «پدیده حلقه مشترک در روایات: تبیین و تحلیل»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ش ٧، س ٢، صص ٢٥-٥١.
- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمان بن محمد (١٢٧١ق)، الجرح و التعديل، ج ٢، ٥، ٨، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌ابی‌شیبہ، عبدالله (١٤٠٩ق)، المصنف، تحقیق کمال یوسف الحوت، ج ٧، ریاض: نشر مکتبه الرشد.
- ابن‌ابی‌عاصم، احمد (١٤١١ق)، الاحاد و المثانی، تحقیق د. باسم فیصل احمد الجوابره، ج ١، ریاض: نشر دارالرایة.
- ابن‌اثیر، عزالدین علی بن محمد (١٤٠٩ق)، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ٣، بیروت: دار الفکر.
- (١٤١٧ق)، الکامل فی التاریخ، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ٢، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن‌اسحاق، محمد (١٣٩٨ق)، سیره ابن‌اسحاق، تحقیق سهیل زکار، [بی‌جا]: دار الفکر.
- ابن‌العراقی، احمد بن عبدالرحیم (١٤١٥ق)، المدلسین، تحقیق د. رفعت فوزی عبدالمطلب و د. نافذ حسین حماد، [بی‌جا]: دار الوفاء.
- ابن‌حبان، محمد (١٣٩٣ق)، الثقات، ج ٥، ٦، ٧، حیدرآباد دکن: نشر دائرة المعارف العثمانیة.
- (١٣٩٤ق)، المجروحین من المحدثین و الضعفاء و الکذابین، تحقیق محمد ابراهیم زاید، ج ١، ٢، ٦، حلب: نشر دار الوعی.
- (١٤١١ق)، مشاهیر علماء الامصار، تحقیق مرزوق علی ابراهیم، منصوره: نشر دار الوفاء.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی (١٤٠٣ق)، طبقات المدلسین، عمان: نشر مکتبه المنار.
- (١٣٧٩ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تصحیح محب‌الدین الخطیب، ج ٣، بیروت: نشر دار المعرفة.
- ابن‌حُمید، عبدالحمید (١٤٠٨ق)، المنتخب من مسند بن‌حُمید، تحقیق صبحی البدری السامرائی و محمود محمد خلیل الصعیدی، قاهره: نشر مکتبه السنة.
- ابن‌حنبل، احمد (١٤٢١ق)، المسند، تحقیق شعیب الأرنؤوط و عادل مرشد، ج ٣، ٧، ٢٠، ٣٧، [بی‌جا]: نشر مؤسسة الرسالة.
- ابن‌خزیمه، ابوبکر محمد بن اسحاق (١٤٢٤ق)، صحیح ابن‌خزیمه، تحقیق محمد مصطفی الاعظمی، ج ٢، بیروت: نشر المکتب الاسلامی، الطبعة الثالثة.
- ابن‌راهویه، اسحاق بن ابراهیم (١٤١٢ق)، المسند، تحقیق د. عبدالغفور بن عبدالحق بلوشی، ج ٤، مدینه منوره: نشر مکتبه الايمان.
- ابن‌سعد، محمد (١٩٦٨م)، الطبقات الکبری، تحقیق احسان عباس، ج ١، ٤، ٥، ٦، ٧، بیروت: دار صادر.

- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق علي محمد البجاوي، ج ۱، ۴، بيروت: نشر دار الجيل.
- ابن عدی، عبدالله (۱۴۱۸ق)، الكامل في ضعفاء الرجال، تحقيق عادل احمد عبدالموجود، علي محمد معوض و عبدالفتاح ابوسنه، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، بيروت: نشر الكتب العلمية.
- ابن قطلوبغا، قاسم (۱۴۳۲ق)، الثقات ممن لم يقع في الكتب الستة، تحقيق شادي بن محمد بن سالم آل نعمان، ج ۶، يمن: نشر مركز النعمان للبحوث و الدراسات الاسلامية.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۴۱۸ق)، البداية و النهاية، تحقيق عبدالله بن عبدالمحسن التركي، ج ۴، [بي جا]: دار هجر للطباعة و النشر.
- (۱۴۳۲ق)، التكميل في الجرح و التعديل، ج ۲، يمن: مركز النعمان للبحوث و الدراسات الاسلامية.
- ابن معين، يحيى (۱۳۹۹ق)، تاريخ ابن معين (رواية الدوري)، تحقيق د. احمد محمد نور سيف، ج ۳، ۴، مكة المكرمة: نشر مركز البحث العلمي و احياء التراث الاسلامي.
- [بي تا]، تاريخ ابن معين (رواية الدارمي)، تحقيق د. احمد محمد نور سيف، دمشق: دار المأمون للتراث.
- ابن منصور، سعيد (۱۴۰۳ق)، السنن، تحقيق حبيب الرحمن الاعظمي، ج ۲، هند: نشر دار السلفية.
- ابن هشام، عبدالملك (۱۳۷۵ق)، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى السقا، ابراهيم الاياري و عبدالحفيظ الشلبي، ج ۱، قاهره: نشر مكتبة و مطبعة البابي الحلبي و اولاده بمصر، الطبعة الثانية.
- ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (۱۴۳۰ق)، السنن، تحقيق شعيب الارنؤوط و محمد كامل قره بللي، ج ۵، [بي جا]: نشر دار الرسالة العالمية.
- ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله (۱۳۹۴ق)، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ج ۱، مصر: نشر دار السعادة.
- (۱۴۱۹ق)، معرفة الصحابه، تحقيق عادل بن يوسف العزازي، ج ۲، ۴، رياض: دار الوطن للنشر.
- (۱۴۰۶ق)، دلائل النبوة، تحقيق د. محمد رواس قلعه جي و عبدالبر عباس، بيروت: نشر دار النفائس، الطبعة الثانية.
- ابن تغري بردي، يوسف [بي تا]، المنهل الصافي و المستوفى بعد الوافي، تحقيق د. محمد محمد امين، [بي جا]: نشر الهيئة المصرية العامة للكتب.
- الامين، احمد (۲۰۱۲م)، فجر الاسلام، قاهره: نشر مؤسسة الهداوي للتعليم و الثقافة.
- بخاري، محمد بن اسماعيل (۱۴۲۲ق)، الصحيح، تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر، ج ۱، ۴، [بي جا]: نشر دار طوق النجاة.
- [بي تا]، التاريخ الكبير، ج ۱، ۸، حيدرآباد دكن: [بي نا].

- بزار، ابوبكر احمد (٢٠٠٩م)، المسند (البحر الزخار)، تحقيق محفوظ الرحمن زين الله، عادل بن سعد و صبرى عبدالخالق الشافعى، ج٤، مدينة منورة: نشر مكتبة العلوم والحكم.
- بهائى عاملى، بهاء الدين محمد بن حسين (١٤٠٦ق)، توضيح المقاصد، قم: نشر كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- بيهقى، احمد بن حسين (١٤٠٥ق)، دلائل النبوة، ج٢، بيروت: دار الكتب العلمية.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (١٤١١ق)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، ج٢، ٣، بيروت: دار الكتب العلمية.
- حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٠٣ق)، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، تحقيق عبدالرحيم ربانى شيرازى، ج٣، بيروت: دار احياء التراث العربى، الطبعة الخامسة.
- خطيب بغدادى، احمد بن على (١٤٢٢ق)، تاريخ بغداد، تحقيق د. بشار عواد معروف، ج٢، ٣، ٧، ٩، بيروت: دار الغرب الاسلامى.
- دارقطنى، على بن عمر (١٤٠٣ق)، الضعفاء و المتروكون، ج٢، ٣، مدينة منورة: نشر مجلة الجامعة الاسلامية.
- ذهبى، محمد بن احمد (١٣٨٢ق)، ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، ج١، ٣، ٤، بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
- (٢٠٠٣م)، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير، تحقيق د. بشار عواد معروف، ج١، ٤، ٦، بيروت: دار الغرب الاسلامى.
- (١٣٨٧ق)، ديوان الضعفاء و المتروكين، مكة: نشر مكتبة النهضة الحديثة، الطبعة الثانية.
- (١٤٠٦ق)، ذكر اسماء من تكلم فيه و هو موثق، زرقاء اردن: نشر مكتبة المنار.
- (١٤٠٥ق)، سير اعلام النبلاء، تحقيق گروهى از محققين با سرپرستى شعيب الارنؤوط، ج٤، ٥، ٦، ٧، ٩، ١٠، [بى جا]: نشر مؤسسة الرساله، الطبعة الثالثة.
- رويانى، محمد بن هارون (١٤١٦ق)، المسند، تحقيق ايمن على ابويمانى، ج١، قاهره: نشر مؤسسة قرطبه.
- زرکلى، خير الدين (٢٠٠٢)، الاعلام، ج٤، بيروت، دار العلم للملايين.
- سبط ابن العجمى، ابراهيم بن محمد (١٤٠٦ق)، التبيين لاسماء المدلسين، بيروت: دار الكتب العلمية.
- سهيلى، عبدالرحمان (١٤٢١ق)، الروض الأنف فى شرح السيرة النبوية لابن هشام، تحقيق عمر عبدالسلام السلامى، ج٢، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- شرآب، محمد بن محمد حسن (١٤١١ق)، المعالم الاثيرة فى السنة و السيرة، بيروت- دمشق: نشر دار القلم و الدار الشامية.

- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، *مسار الشیعة فی مختصر تواریخ الشریعة*، تحقیق شیخ مهدی نجف، بیروت: دار المفید، الطبعة الثانية.
- طباطبایی، محمدحسین [بی‌تا]، *تفسیر المیزان*، ج ۱۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد [بی‌تا]، *المعجم الكبير*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، ج ۲، قاهره: نشر مکتبه ابن تیمیة، الطبعة الثانية.
- [بی‌تا]، *المعجم الاوسط*، تحقیق طارق بن عوض الله و عبد المحسن بن ابراهیم الحسینی، ج ۷، قاهره، دار الحرمین.
- (۱۴۰۴ق)، *الاحادیث الطوال*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل: مکتبه الزهراء، ج ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، گروهی از محققان، ج ۵، بیروت: نشر مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری*، ج ۲، بیروت: دار التراث، الطبعة الثانية.
- طرخان، ابراهیم علی (۱۹۵۹)، «الاسلام و الممالک الاسلامیة بالحبشه فی العصور الوسطی»، *المجلة التاريخية المصرية*، العدد ۸، صص ۳-۶۸.
- طیالسی، سلیمان بن داود (۴۱۹ق)، *المسند*، تحقیق د. محمد بن عبدالمحسن التركي، ج ۱، مصر: نشر دار الهجر.
- عجلی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *تاریخ الثقافات*، [بی‌جا]: دار الباز.
- عقیلی، محمد بن عمرو (۱۴۰۴ق)، *الضعفاء الكبير*، ج ۱، ۲، ۴، بیروت: دار المکتبه العلمیة.
- علائی، خلیل بن کیکلدی (۱۴۱۷ق)، *المختلطين*، قاهره: نشر مکتبه الخانجی.
- (۱۴۰۷ق)، *جامع التحصیل فی احکام المراسیل*، بیروت: نشر عالم الکتب، الطبعة الثانية.
- العوده، سلیمان بن حمد [بی‌تا]، *مرویات الهجرة*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۳ش)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج ۵، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الخامسة.
- گلدتسیهر، ایگناتس و همکاران (۱۳۹۴ش)، *تاریخ‌گذاری حدیث (روشها و نمونه‌ها)*، به کوشش و ویرایش سید علی آقایی، تهران: انتشارات حکمت.
- ابن عبدالوهاب، محمد [بی‌تا]، *الاصول الثلاثة و ادلتها*، ریاض: دار الوطن.
- مزنی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۰ق)، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، تحقیق د. بشار عواد معروف، ج ۱، ۹، ۱۴، ۲۶، بیروت: نشر مؤسسة الرسالة.
- مسلم، ابن حجاج [بی‌تا]، *الصحيح*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مغلطای بن قلیچ، علاء الدین (۱۴۲۲ق)، اکمال تهذیب الکمال، ج ۱، [بی جا]: الفاروق الحدیثه للطباعة و النشر.
- موتسکی، هارالد (۱۳۹۴ش)، حدیث اسلامی (خاستگاهها و سیر تطور)، به کوشش و ویرایش مرتضی کریمی نیا، قم: نشر دار الحدیث، چ ۲.
- منیسی، سامیه عبدالعزیز (۱۴۲۱ق)، اسلام النجاشی و دوره فی صدر الدعوة الاسلامیة، قاهره: دار الفکر العربی.
- نسایی، احمد بن شعیب (۱۳۹۶ق)، الضعفاء و المترکون، حلب: نشر دار الوعی.
- (۱۴۲۳ [الف])، مشیخه، مکه مکرمه: نشر دار عالم الفوائد.
- (۱۴۲۳ [ب])، ذکر المدلسین، مکه مکرمه: نشر دار عالم الفوائد.
- هوروفتس، یوسف (۱۴۲۱ق)، المغازی الأولى و مؤلفوها، ترجمه د. حسین نصار، قاهره: نشر مکتبه الخانجی، الطبعة الثانية.

List of sources with English handwriting

- Aghaei, Seyed Ali (Fall 2006), Article "Historiography of Narrations Based on Document Analysis (Critique and Review of the G.H.A Juynboll)", *Quarterly Journal of Science and Hadith*, Third Issue, 41, Eleventh Year.
- (Winter 2010), Article "The phenomenon of a common ring in narrations: explanation and analysis", *Quarterly Journal of Islamic History Studies*, No.7, Year 2.
- Ibn Abihatam, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1271 AH), *Al-Jarh and Al-Taddil*, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Ibn Abi Shaybah, Abdullah (1409 AH), *Al-Musnaf*, research by Kamal Yusuf Al-Hout, Riyadh: published by Maktab al-Rashad.
- Ibn Abi Asim, Ahmad (1411 AH), *Al-Ihad and Al-Muthani*, research d. In the name of Faisal Ahmad Al-Jawabrah, Riyadh: Publisher of Al-Rayyah.
- Ibn Athir, Izz al-Din Ali ibn Muhammad (1409 AH), *Asad al-Ghabeah in the Knowledge of the Companions*, Beirut: Dar al-Fikr Publishing.
- (1417 AH), *Al-Kamil Fi Al-Tarikh*, research: Omar Abdul Salam Tadmari, Beirut: Nashr Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Ibn Ishaq, Muhammad (1398 AH), *Sira of Ibn Ishaq*, research by Soheil Zakar, Dar Al-Fikr Publishing.

- Ibn al-Iraqi, Ahmad ibn Abd al-Rahim (1415 AH), *Models in*, Dar Al-Wafa Publishing.
- Ibn Hobban, Muhammad (1393 AH), *Al-Thaqat*, Hyderabad, Deccan, India: Publication of the Ottoman Encyclopedia.
- (1396 AH), *The injured from the narrators, the weak and the liars*, research by Mohammad Ibrahim Zayed, Aleppo: Dar Al-Wai Publishing.
- (1411 AH), *famous scholars of Al-Masar*, research of Marzuq Ali Ibrahim, Mansoura Egypt: Dar Al-Wafa Publishing.
- Ibn Hajar Asqalani, Ahmad Ibn Ali (1403 AH), *Tabaqat al-Mudalsin*, Oman: Publication of the School of Manar.
- (1379 AH), *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bukhari*, edited by Moheb al-Din al-Khatib, Beirut: Dar al-Ma'rifah Publishing.
- Ibn Homid, Abdul Hamid (1408 AH), *Almontakhab min Musnad Ibn Hamid*, Investigated by Subhi Al-Badri Al-Samarai and Mahmoud Muhammad Khalil Al-Saidi, Cairo: Published by Maktab Al-Sunnah.
- Ibn Hanbal, Ahmad (1421 AH), *Al-Musnad*, research of Shoaib Al-Arnawat and Adel Murshid, publication of Al-Risalah Institute.
- Ibn Khuzaymah, Abu Bakr Muhammad ibn Ishaq (1424 AH), *Sahih Ibn Khuzaymah*, research: Muhammad Mustafa al-Azami, Beirut: Nashr al-Muktab al-Islami, third edition.
- Ibn Rahwiyah, Ishaq Ibn Ibrahim (1412 AH), *Al-Musnad*, research d. Abdul Ghafoor bin Abdul Haq Balushi, Medina: Publication of the School of Faith.
- Ibn Sa'd, Muhammad (1968), *Al-Tabqat al-Kubra*, research by Ehsan Abbas, Beirut: published by Sader.
- Ibn Abd al-Barr, Yusuf ibn Abdullah (1412 AH), *AlstiAab fi Maerafat Al-ashab*, research by Ali Muhammad al-Bajawi, Beirut: Dar Al-Jail Publishing.
- Ibn Uday, Abdullah (1418 AH), *Al-Kamil Fi Dhafa 'Al-Rijal*, research by Adel Ahmad Abd al-Mujud and Ali Muhammad Mu'awwad and Abd al-Fattah Abu Sunnah, Beirut: Publication of the Book of Science.

- Ibn Qutluboga, Qasim (1432 AH), *Al-Thoqat, Men man lam yage fii Alkotob Alseteh*, research by Shadi Ibn Muhammad Ibn Salem Al-Nu'man, Yemen: Publication of Al-Nu'man Center for Research and Islamic Studies.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar (1418 AH), *Albedayeh wa Alnehayeh*, research by Abdullah Ibn Abd al-Muhsin al-Turki: Nashr Dar Hijr for printing and publishing.
- (1432 AH), *Altakmil filgarh wa Altaeedil*, Yemen: Publication of Al-Nu'man Center for Research and Islamic Studies.
- (1420 AH), *Tafsir Al-Quran Al-Azeem*, research by Sami Ibn Muhammad Salameh, Nashr Dar Taybeh for publishing and distribution, second edition.
- Ibn Mu'in, Yahya (1399 AH), *History of Ibn Mu'in (narration of distance)*, research d. Ahmad Muhammad Noor Saif, Mecca: Publication of the Center for Scientific Discussion and Revival of Islamic Heritage.
- (?), *History of Ibn Mo'in (Al-Darmi narration)*, research d. Ahmad Mohammad Noor Saif, Damascus: Publisher Dar Al-Mamoun for Heritage.
- Ibn Mansour, Saeed (1403 AH), *Alsunan*, research of Habib-ur-Rehman Al-Azami, India: Salafiyah Publishing House.
- Ibn Hisham, Abdul Malik (1375 AH), *Al-Sira Al-Nabawiyah*, research by Mustafa Al-Saqqa and Ibrahim Al-Abiyari and Abd Al-Hafiz Al-Shalabi, publication of Al-Babi Al-Halabi School and Printing House and Children of Egypt, second edition.
- Abu Dawud al-Sajistani, Sulayman ibn Ash'ath (1430 AH), *Sunnis*, research by Shoaib al-Arnawat and Muhammad Kamel Qara Belli
- Abu Naim Isfahani, Ahmad Ibn Abdullah (1394 AH), *Haliya al-Awliya wa Tabaqat al-Asfiya*, Egypt: Dar al-Saada Publishing.
- (1419 AH), *Maerefat Alsaahabah*, research by Adel bin Yusuf Al-Azazi, Riyadh: Dar Al-Watan Publishing House.
- (1406 AH), *Dalael Alnubuwh*, Research d. Mohammad Rawas Qala-e-Ji and Abd al-Barr Abbas, Beirut: Dar Al-Nafais Publishing, Second Edition.

- Ibn Taghri Bardi, Yusuf (?), *Al-Manhal Al-Safi and Al-Mustafa after Al-Wafi*, research d. Mohammad Mohammad Amin, Publication of the Egyptian Public Library.
- Al-Amin, Ahmad (2012), *Fajr al-Islam*, Cairo: Publication of the Indian Institute for Education and Culture.
- Al-Awda, Sulayman bin Hamad (?), *Marwiyat al-Hijra*.
- Bukhari, Muhammad ibn Isma'il (1422 AH), *Al-Sahih*, research by Muhammad Zuhair ibn Nasser al-Nasser
- (?), *Al-Tarikh Al-Kabir*, Hyderabad Al-Dakkan.
- Bazar, Abu Bakr Ahmad (2009), *Al-Musnad (Al-Bahr Al-Zakhar)*, research by Mahfouz Al-Rahman Zainullah and Adel Ibn Saad and Sabri Abdul Khaliq Al-Shaff'i, Medina: Publication of the School of Science and Judgment.
- *Islamic Encyclopedia Foundation* (1983), Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Baha'i Ameli, Baha'u'llah Muhammad ibn Husayn (1406 AH), *Explanation of Purposes*, Qom: Published by the Library of Ayatollah Marashi Najafi.
- Bayhaqi, Ahmad Ibn Hussein (1405 AH), *The Evidence of Prophethood*, Beirut: Publisher of the Scientific Book.
- The ruler of Neyshabur, Muhammad ibn Abdullah (1411 AH), *Mustadrak Ali al-Sahihin*, research by Mustafa Abdul Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiyah Publishing.
- Free Ameli, Muhammad ibn Hassan (1403 AH), *Shiite means to study Sharia issues*, research by Abdul Rahim Rabbani Shirazi, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, fifth edition.
- Baghdadi's sermon, Ahmad ibn Ali (1422 AH), *History of Baghdad*, research d. Famous Bashar Awad, Beirut: Dar Al-Gharb Al-Islami Publishing House.
- Darqatani, Ali ibn Umar (1403 AH), *The weak and the abandoned*, Medina: Published by the Journal of the Islamic Society.
- Zahabiya, Muhammad ibn Ahmad (1382 AH), *The level of moderation in the critique of men*, Beirut: Nashr Dar Al-Ma'rifah for printing and publishing.
- (2003), *History of Islam and the death of celebrities*, research d. Famous Bashar Awad, Dar al-Gharb al-Islami Publishing.

- (1387 AH), *Diwan of the weak and abandoned*, Mecca: Publication of the school of Ennahda Hadith, second edition.
- (1406 AH), *mentioning the names of my speech and his authenticity*, Zarqa of Jordan: publication of Al-Manar School.
- (1405 AH), *The Journey of the Proclamation of the Nobles*, a research by a group of scholars led by Shoaib al-Arnawt, Al-Risalah Institute Publication, third edition.
- Royani, Muhammad ibn Harun (1416 AH), *Al-Musnad*, research by Ayman Ali Abu Yamani, Cairo: Cordoba Institute Publishing.
- The lineage of Ibn al-Ajami, Ibrahim ibn Muhammad (1406 AH), *Explanation of the names of the models*, Beirut: Publisher of the scientific books.
- Soheiliyah, Abd al-Rahmanah (1421 AH), *Al-Rawd al-Anaf fi Sharh al-Sira al-Nabawiyyah by Ibn Hisham*, research by Umar Abd al-Salam Salami, Beirut: Publisher of the Revival of Arab Heritage.
- Sheikh Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Nu'man Akbari (1414 AH), *The Shiite Path in a Brief History of Sharia*, Research by Sheikh Mehdi Najaf, Beirut: Dar Al-Mufid Publishing, Second Edition.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (?), *Tafsir Al-Mizan*, Qom: Qom Teachers Association Publications.
- Tabarani, Sulayman ibn Ahmad (?), *Al-Mujam al-Kabir*, research by Hamdi ibn Abd al-Majid al-Salafi, Cairo: Ibn Taymiyyah School Publishing, second edition.
- Tabarsiyya, Fadl Ibn Hassan (1415 AH), *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, a group of scholars, Beirut: Publication of the Scientific Institute for Publications.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1387 AH), *Tarikh al-Tabari*, Beirut: Publishing House of Heritage, second edition.
- Tarkhan, Ibrahim Ali, article "Islam and the Islamic kingdoms in Abyssinia in the Middle Ages", *Journal of Egyptian History*, No. 8, 1959, pages 3-68.
- Tayalsi, Suleiman bin Daud (1419 AH), *Al-Musnad*, research d. Muhammad ibn Abd al-Muhsin al-Turki, Egypt: Publisher of Hijr.
- Ajliya, Ahmad ibn Abdullah (1405 AH), *Tarikh al-Thaqat*, Dar al-Baz publisher.
- Aghili, Muhammad ibn Amr (1404 AH), *Al-Dadafa Al-Kabir*, Beirut: Dar Al-Muktabah Al-Almiyeh.

- Ala'i, Khalil bin Kikldi (1417 AH), *Al-Mukhtaltin*, Cairo: Al-Khanji School Publishing.
- (1407 AH), *Jame 'al-Tahsil fi Ahkam al-Marasil*, Beirut: Nashr-e Alam al-Kitab, second edition.
- Kashani, Mullah Fathullah (1333 AH), *Interpretation of the method of the righteous in the obligation of the opponents*.
- Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (1363 AH), *Al-Kafi*, research by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islamiyya Publishing House, fifth edition.
- Goldtsehir, Ignats / et al. (2015), *Dating of Hadith (Methods and Examples)*, edited by Seyed Ali Aghaei, Tehran: Hekmat Publications.
- Muhammad ibn Abdul Wahab (?), *The Three Principles and their Evidences*, Riyadh: Published by Dar Al-Watan.
- Mazi, Yusuf ibn Abd al-Rahman (1400 AH), *refinement of perfection in the names of men*, research d. Famous Bashar Awad, Beirut: Al-Risalah Institute Publishing.
- Muslim, Ibn Hajjaj (?) , *Al-Sahih*, research by Muhammad Fawad Abd al-Baqi, Beirut: Publisher of the Revival of Arab Heritage.
- Maghltay Ibn Qalij, Aladdin (1422 AH), *Completion of the refinement of perfection*, Publishing Al-Farooq Al-Hadith for printing and publishing.
- Motsky, Harald (2015), *Islamic Hadith (Origins and Evolution)*, edited by Morteza Kariminia, Qom: Hadith Publishing, second edition.
- Manisi, Samia Abdul Aziz (1421 AH), *Islam al-Najashi and the period in the beginning of the Islamic Dawa*, Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi Publishing.
- Women, Ahmad Ibn Shoaib (1396 AH), *The weak and the abandoned*, Aleppo: Dar Al-Wai Publishing.
- (1423 AH), *Mashikha*, Mecca: Publisher of the world of benefits.
- (1423 AH), *Zikr al-Mudalsin*, Mecca: Publisher of the world of benefits.
- Horofets, Yusuf (1421 AH), *Al-Maghazi Al-Awli and his authors*, translated by D. Hussein Nasar, Cairo: Al-Khanji School Publishing, Second Edition.

